

روح، شخصیت، ایده آل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

تا به حال در حالت خود امتحان کرده و
دیده اید که بعضی از اعمال است که قبل را
دیگر موبایل و تلفنی می کند ولی بعض اعمال
این سالات عیناً در اخراج هست و بعض می شود
یدیشه های اجتماعی، روح اجتماعی را تابک
می کند. پرس و پرس در اخراج اینها و وجود
می اورد به اخراج امثال برگز و اسارت
می دهد.

یک مسلسل به دیده های اجتماعی است که
به اخراج هما و تو زلات می دهد. ترس
او می دهد. بعد از شهادت امام حسین (ع)
یک جنین ایلی به وجود آمد. یک رویی
در اسلام بیان شده امام حسین حزبک
هرمانیانه ای خود روح مردم سلامان را نهاد
گرد و به اخراج اسلامی تخفیف دارد.
بسارهای اسلامی تخفیف مسلمانی
و وجود ندارد. یک اخراج برای خودش ایده
آل پادشاه و سنت اخراج ای دیگر.
حس اشترا و پیاری داشته باشد. یک
اخراج ایده ای طور فکر اسلامی داشته باشد. یک
خودمندی افسوسی اغایی در زندگی دارد
و با آن فلکه اخراج و سماتیک دارد. اگر
اصناعی این شنید و شخصیت ایده دست
داد و احساس نکرد که اخراج ای مستقیم دارد
که باید به آن نکنید گرایش ای داشته باشد
از است. مدد ولی اگر این یکی را داشته
باشد همه ی جیوهای دیگر را از او بگیرند.
روی یک خودمند می است.
در چنگ چنانچه مدن ایلارها گفتند همه
چیزهای را از دست دارند. یک بیرون
را که احساس خودمند را از دست دادند. همه
شخصیت خودمند را از دست دادند. همه
جزیز را دیواری به دست آوردند و راست هم
گفتند.

پیام اسلام به مردم عرب چه داد؟ و
اساساً یک آدم غافر و پنهان و کسی که ایام
قری و قلیه ایا او خست هستند چه داشت
که به آن ها بپند. جلوه ند که آن ها از
آن خیصی پسندی به اوج گرفت رسانید؟
ایرانی به آن داد که آن ایمان به آن
ها خستند داد اما آنها بعد از پیام
کاری گردند که شخصیت اسلامی را در میان



بیان استاد مطهّری



یازما

اول سلام اهل مولای من سلام معنوی عالمیان سلام انتقام امتحان!

دری یه دل مراست مداوای نمی شود رایی به سینه هست که افتخای نمی شود

ای بوسیله که بیوفت صفت دود ملام اموزر ما بورد تو فرق نمی شود

به قول معمول می خوام کی خوشی بخواهی و رایی ای ای خوشی بخواهی و رایی بخواهی و شد

7. زیر نوی همین اشکاً تخلیص مله به مت علی ای خوشی بخواهی و رایی بخواهی و شد

خدا ایام زمان من چه یه هست هم دیده هایی که بیوفت روره به دانگانها من و ملیه های

دیگه را مخدوش بخواهی و دیگه هایان تنه خطاً بخواهی و دیگر شروع بکی مرعت ایام زمانی

و عاقله در راه ایکه منی ماله بشرت ای ای من می نویس در راهه که ای خوشی تخلیص دیده

توی مسجد حضرت ابرارالمومنین (مسجد اشکا) نیشم دیده کار مزار بایانی عهدان گفتم که در راه

نام و ندان ما هستند بسته ای ای و خاطراتی که با یه یه هست داشتند هرگز فراموش نمیشه و ایا مام

همه نوی نوی

آنکه ایه سید علیه السلام، علامین من شاهی (...)، امیری، داشتی داشتی هم ایکه در واعه بیهین

خاطرات دیگه زیر نوی همین هست ره خوده خاطره بگزیری ایاد و مراسم مذهبی داده کمبل...

که رایه ایه ای مالاگهارهای گفتم ای خوشی از ذات کی کمی خوشی دیده که ای خوشی دیده که ای خوشی

خانی شیرین بوده خوب بدل سخت دوشن لطفه به ای ای راهه بکه مه مل نهاده خوشی بخواهی دیده

از غافلیت ایه فرشن گی و ماهمن، مسویونی هم را شاشتم تخلیص کردن ای ای مه رایه ایه های

هست ایوت اول داشت خاطرات بین کاهی اوقات اتفاق ای افاده ای خاطرات بکه بخواهی و رایی بخواهی

بیار می موهمنه بر کارش را بخواهی و اشیا ایلارون هم ایام می داده دلاروک ایکه ای دیده

بودند چند روز بشی یکی از بیه ای رسیده ایکه دواره گردید اشکا باز هم یعنی میشی با ایکه تخریه

ای کردی دیده که ایلار یهیان، بالا من جواه می داده ایکه خواه بار هم به داشتکه ای خوشی (ع) بایم

به هیه قدمی هست بخانی و رایی بخواهی (ع) را رهی می کنم این سیم تذکر در مامها یهیه دند خشی یهیه

های ایکه هم زیبای موهمنی بشی میکاره کارون ایه به ای داده عشق هسته در هر چیز

بینهش و دل هون و زیبای مرسم بیار ایه که شتر ای ای طلی که مک همه هم ایه به ای دست ایام

حی و حاضر مون می سارمه.

دوستان و عائله ایام زمان (ع) این هست ایجاد شد نا یوین پیشتر با ایام زمانیون آشنا بشم و خون

که بر نهاده ایام هدیم هر جور که می نوین

الناس دعا
ملک بور

جه کسی می تواند این معادله را حل کند؟ کدام دختر داشجویی که

...

جهن حوصله ندارد عکس های جنگ را بیند و اخبار آن را بشنو، از

...

آن غافل شر و حیا را جه کسی باید می کند که می خواهد مانشان

...

را آفوده کرده و زده به سوس اخاذشان به گور ببرند.

...

مکحکونه می توانی درها را بروی خود بسته و چون مرش در آثار

...

کلمات پنهان می باشد لایه بکریم؟

...

کدام مستله را می افیزی برای کدام حسان درس می خوانی؟ به

...

چه ایده سب می کشی؟ کش و کلاسوت را چه بی کشی؟

...

از خلیل از ایلی ایلی شامخ تکری با از ایلی که هر روز مادرت

...

در یکی که می کارد؟

...

کدام اختطراب جات را می خورد؟ دیر رسیدن به اتوپس، دیر

...

رسدن سر کلام، همه تکریفی؟

...

اتل را به چیزی می نمی کند؟ به چیزی می نمی کند؟ به ماشین، به قبول شدن در

...

وقت که ایلی ایلی می باشد...

...

که خدا دهدی حسین(ع) را بذیرفت و خون علی الکرام(ع) و علی

...

اسفار(ع) را به ذمین پس نماد...

...

و من نمی بدم که فردی قیامت این خون با حرمله چه خواهد کرد؟

...

لولوچه ی مدهم اسد و مهیا احمدی داشجوی شده بیزکی

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

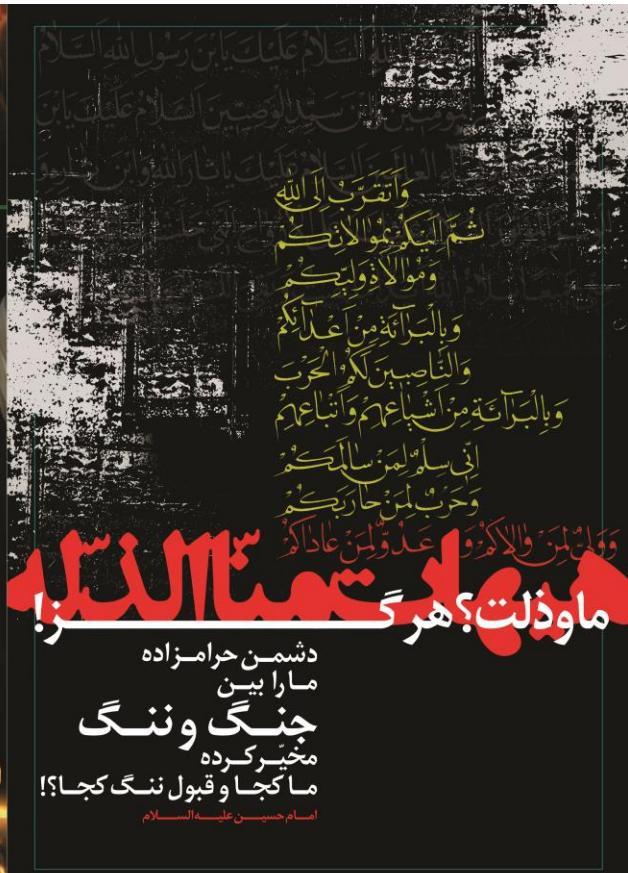
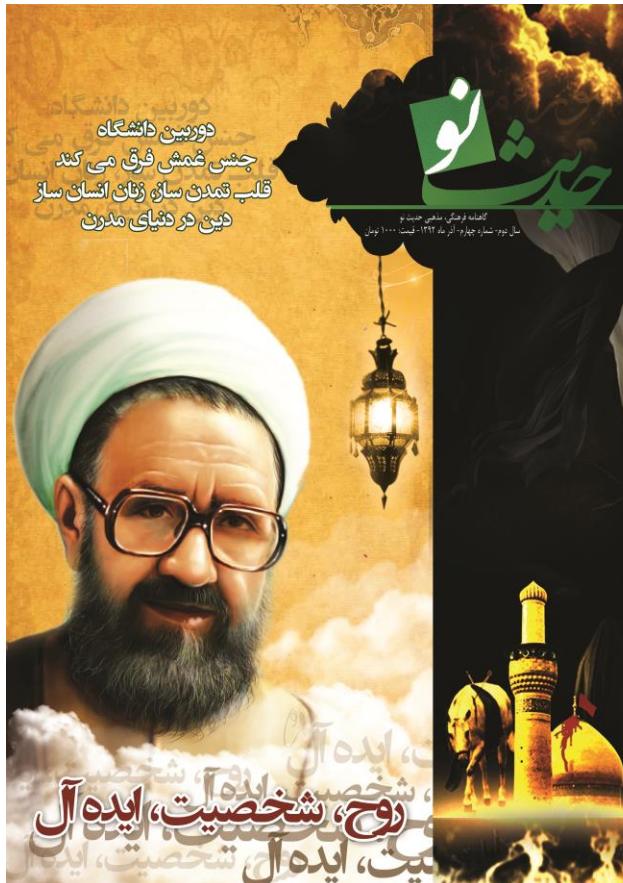
...

...

...

...

...



پیداست که در میان جانی

الهی ن تو ما را جواره، مهر تو ما را جهار، شناخت
نم ما ایاه لطفه نهاده تو ما را عین.

الهی ضمیمان را زانه، قصمان را رسیراهی،
مؤمنان را گواهی، چند نزد است آن کس که تو
خواهی...

الهی در چنان رضانی در کمال سیحانی، نه محتاج
زمان و نه از رومند مکانی، نه کس به تو ندان و

نه کس می ایاه پیداست که در میان جانی،
بلکه جان زده به چهتر است که تو آنی.

الهی چون در تو نگیر، حمله باهارانه وجودن
در خود نگیر، از هلهه هاکارانه خاک رسیده و

پریت خود بیداد کرد و سلطان را شاد.

الهی کس کویم سیاش و سایه کویم و اکر
جوانه راضی و چویه.

الهی اکر اطاعت می ندارم اندم دو جهان چشیدو
کسی ندارم.

خواجه عبدالاصغری



گاشه، فوکنی، منسی - سل. دوم، شماره چهارم - آذر ۱۴۲۰

سال دوم - سل. چهارم - آذر ۱۴۲۰
دانشگاه پولی تکنیکی (پل) - افغانستان

صاحب امتیاز: هیئت علمی پولی تکنیکی (پل)
میر مسون: علی ابراهیم

سردیور: ابراهیم پور ابراهیم

فائز: ابراهیم پور ابراهیم

تیم شعری: هیئت، سعیدزاده، روحانی، بابایی،
امحمدزاده، محمودزاده، محمدی، جباری

فائز: ابراهیم پور ابراهیم، هاشمی، ابراهیم زاده

برادران: ابراهیم زاده

ویراستار: روزه شفیع سکنجه

طراح و مددخواه: ابراهیم محمدزاده دواری

محله: هفت پیغمبر

وب سایت: mohebban.vru.ac.ir

سامانه پیامک:
۱۰۰۰۳۹۱۱۱۰۳۱۳

۱	بیخشید اکر رک می گویم
۲	لیخد خدا بروار من
۳	قلب نعلن ساز، زبان اسان ساز
۵	شدهای بی تکرار تین های تاریخ
۵	پیش داری پس داری
۷	تائیه ای که گذشت
۸	رو، خصوصیت آدم
۱۰	دوین داشگاه
۱۲	زبان گافه
۱۳	منقش
۱۴	دین در طیای مدن
۱۶	دربا و مرتاب
۱۸	اهل داشتگاه
۱۹	جنس غشن فرق می کند
۲۱	یکی از ما
۲۲	نکته های ناب بزرگان
۲۴	عطی سبب
۲۴	خر
۲۵	دین دنیای شده
۲۶	چیرم در اختیار ماست
۲۷	عمرق سایت
۲۸	پیداست که در میان جانی



وب سایت: mohebban.vru.ac.ir

سامانه پیامک:

۱۰۰۰۳۹۱۱۱۰۳۱۳

معرفی سایت

نت هوش	زندگی و شوه زندگی
http://intelligence-test.net	http://www.intelligence-test.com
http://www.iqtest.com	
مرکز مشاوره مؤسسه امام خمینی (ره) http://moshavere.org	
خدمات مشاوره رشد http://moshavereh.roshd.ir/ Portal Home	
کانون کفمان دینی http://www.askdin.com	
کانون کفمان قرآنی http://www.askquran.ir	
مرکز مشاوره دانشگاه تهران http://counseling.ut.ac.ir/ consult.aspx	
مشاوره ازدواج http://moshaveret1.ir	
اندیشه قم http://www.andisheqom.com	



بی خشید اگر
دک می گوییم

این روزها مادرها بر پرواز ندارند، گیر فرد، ام، زن سفیر دنیای بزرگ سالانه می‌باشند. گیر فکار روزمزگی ها لاید خوب می داشتند باز همکنون متغله های پوشانی سال هاست که ما را از مخصوصان دور کرده و از ساصیمان تها عیار دار که هیانا استغفار از این همین که در زیستان شده و نیمه هایی که بپاری بوده همچو و مده کسی می دهد جزو این روزانه های بزرگ، هرای اسلام امیر شد، حراج خشم من ماموریت خوازی کلکس اسلام روزانه نیست: بین خشید اگر رک می کنند، پرسی اسلامیان با ادامه هم بخواهند.

انگار «بلیه النباء» از مرد استادا، به بلهنا لازم است، از زیست اینکه میانی ای شرط نه سیاهی می شناسند نه

بسیاری هایی این میزبان در این منزل تو خبردارند!

لبعنده خدا، بروار من

تو خودت بز از همه می داری که چقدر این روزها، دل ما آتش های شهرمان گرفته است.

الحمد لله رب العالمین، این روزت بروار استادا، ام

در این اتفاق کدام سمت بروم به تو می رسم؟ منظمه؟

بسیاری این روزهای این دل را به بروت بار گردید، ام، می خواهم کمی از هزار گرم و عاشقانه را به دلم بدھی، چند دقیقه است که خلبان

او را از این دل خواهم بخواست، بروار، از تو از دل و تو گوش بدیهی مثل همیشة، آرام و عاشقانه.

الحمد لله رب العالمین و سکایت، نیاهده ام تا از شمسگی هایم به تو بگویم

الحمد لله تا بتو سینی عاذله داده شما پشت بینی پیچیده.

چند دقیقه بزمی خواهم بدمد بزمی از دل خودت بز از همه می داریم، بروار کمتر کنم

الحمد لله تا بدمی خواهم بدمد بزمی از دل خودت بز از همه می داریم، بروار کمتر کنم

الحمد لله تا بدمی خواهم بدمد بزمی از دل خودت بز از همه می داریم، بروار کمتر کنم

الحمد لله تا بدمی خواهم بدمد بزمی از دل خودت بز از همه می داریم، بروار کمتر کنم

چشم دل از جواد محمدی



چشم دل

زندگی مهای خدا، تکرار عی درج روها و همه
آیا تا به حال سر روختان در درگرفته و پای روختان

شکسته است؟ آیا های روحی و صدمات آن، خرج دروی

دستتان گذاشت است؟

کافی نبود این معرفت، دخالتی می کند،

وقتی دیوار عی در قرقیزگاهی بروی و

خود را، وقتی به داخل آنهاه ی چنان «بروطی تیری»

نشست می کند، آنها «عسما» را خبر می کنند؟

«زمایه» چه کند، اگر اگر خودمان با خوش

نامازگاریم؛ «مگران» چه کند، اگر ما با خوشبختی

آنستی کنیم؟

یکی به ایچ پسی می بند، دیگری به چنگ هستی

و ما همچنان با خوشبختانه ایم از خود گزین.

دین همه کس را و بینین خودیه و لر آن عی

دیگری از عی بینی است، چرا «سوزن» که برای همه

لایس می دوزد، خودش عربان باشد؛ چرا آنکه همه را

می بینند و شناسند و «قدح خوبی، بیرزاده»

آن همه بگانگان از خوشی چیزی ایست.

چشم دل و بانه ای پیش است.

ما اگر بخواهیم و ارادی، خوبی دید که:

«چشم» در «خیلیه» ماست.

کاش یک مژله ای روزی، به قدرت خوار ریختن،

روختان و زندگانی را زیر و روی دنگ، گاهی کس بوجهی

نمی خواهد، مکر جزئی ایلک را دارد، شیوه ای

یک دوای نیست، اتسد، دلی ایافت روحی می اورد

... باید روحی به میان این پهلوی بچاره کنیم؛

دلی به میان این دل «سرزمین».

چشم، خوشبختی این «غضن»، «سوزن»،

پایابد نوایی ایی دیدیه؛ را چشم، «سوزن»،

انقدر، دست دل را رنگی.

مشن از دیده ای خود، منی یک لحظه هم بر نادارم،

آن دو طفل معمول، دل و دیده، اگر هر شوند،

کم می شوند، احساس غریبی می شنند، به این غریبی

ها باید می بینند، نهان می کنند، دیگر بجز من و

تو بخوبی می ندهد سر به خواهیم نداشت اگر از یاما

برروز کردند، دیگر این خانه بر نمی گردند.

دل، دفتر دیده، اتس.

و... بینه بینه دل...

آیا این دو گوهر، نایند مرغایت نیستند؟

قلب تمدن ساز، زبان انسان ساز

نویسنده: میریم السادات مهدوی

غم و قلب، دو عضو مهم بدن برای ادامه
ی حیات انسان سند. اگر غم شخصی
کاری جهان در دریای خود بود، ایران در
معنی دندن است. در این صورت می توان
کار ایمان محاسن دندن بود. ایمان در
سازمان اتفاقی از درد ماند. قطب، کله و...
را العاده کرد. چون خود را زده است اما اگر
برای ایمان ایمان داده شاید بتوان افکار
غایقی خاصی از اتفاق، نام و ایمان را
اعراض از علیه شروع چنگ مهایی دود.
ایمان بین دوی از کار می آمد و مرگ را به
دلیل دارد.

اگر ایمان که ای زمین، هم غم و غمی
تصویر بدم، هم جهان همانند بین انسان
متفکر و غریب‌خواهی امریکا می
گوید، هم طیخی فارس قلب اینست
در اختیار داشته باشد.

بر طبق مفکر امریکایی هایخواهید ایمان
که می خواهد که خود را از از خود بینی
دنبایم تو بده به سیاست جدید امریکا
خواهیم داشت. این ایمان متفکر و میاندیشان
خواهیم داشت. ایمان بگوییم که خواهیم داشت
که خواهیم داشت. ایمان بگوییم که خواهیم داشت
که خواهیم داشت.

همان تفکر تمام چهاری، ریختن در اختیار
ذاداری مملکه را بدیروت، طلاق اداری
نمایه غرب در مطلعه تیغه فارس با تکیه
بر تلق و اتفاق ماید اتفاق و... بود.

برای ایاده ایمان خوش باید قطب هم دهد که
ی گذشته اتفاقی می افکد که ندوی غرب
باشد.

در مطلعه ایمان خوش باید زمان باشد
که ندوی که بود، بتوان بر ایمان دردت جایی
تولید کند در این ظریبه «بولس» را با
زمن گزند که سفی از ایمان دهد، شامل
می شد در رایع محدث قطب بین اسلامی به
گویندگان سلطنت ای ایمان سیاستی داشت
بر ایمان ایمانی که ایلام اسلامی و ایلام
ایران ایکن کم گردید، فکران اسلامی ایران
که باید که غرب را در هم بگذشت، این دل
غرب ای رایع نویسه پاکی تکوین بود.
است که ندوی ایمان ای نیاز
به ارزی سرزمین های مکرر داشت، در
سوم، ایران معدن ساز ایمانشان مشکل افراد
اهاخ شان را بیدا کند. تبعیه این تحقیق
کشیل داده نامع
تحقیق دست بایی به
این جا نفت و کار بود که ایستاد
ایران از بین بدن این اتفاق و غمک نمود
ساز، سوت به چه کارهای که نزدند، تردد
نخواهیم داشت از این زمان ۶۱٪

شخیخت
های تعریف
هاده هست و...
اما بیند باید این
مکرر را نمی توانند
تغیر دهد، بنابراین
پیش گرفتند، همچو
نیز، ایار و ایلانی
ترم کارکوچی
شکل داده نامع

شخیخت

دین دنیایی شده

وعده‌ی یک نوبت طعام برای آیت کشی

نا به حال در زندگی نامه‌ی می‌ساهن‌های کریلاک
فائل روشنایی‌ای عالم بودند، نایاب اتفاق اید؟
دفت در این پست برای شناخت من کریلاک ضروری
می‌ساید و در عالمرا شناسی مان کنک پیشتری خواهد
گرد.

نایاب سرخ از این بیارات گفتند؛ و عن الله شرعا
نگویند که این مقال نیز را رای شما بخواهند و به شما
کنک، فضایل نیز را از این هاست: شناخته بار گیری می‌
پاده به سفر حی رفته و آن مقال جمیع در دفعات و
محاجات ها را با سویق قبلي اشناه کنید، حال اگر جوانات
داریه پنکوهید؛ و عن الله شرعا
من بن از کسی است که در میان جنگ میخنن شما
نهاده بیش رفت و در میان چنگ کنک، امام حسین
(ع) را از نهاده بیش رفت.

سرخ چونکه نیز را از اول

اوی این خصوصیت نیز این بود که: نکنک از
هر چیز برای من مهم نیست راست نیز عذاب‌نیز در
دویم نکنک ای که در شخصیت نیز بود این بود که:
جشن هدن بشیف کنک را نادان، به خاطر میعنی
سالان، بادند و امد گردان، حسنه بحسن (ع)، اسان را
می‌نند سرخ.

دیگر خصوصیتی که نیز داشت، سخمه کردن
دیگران و دادن دیگران را دست می‌انداشت
قرآن و پیغمبر نیز و نسخه کردن را بین نایابها
وقل لکن هنر لزمه از جایان امیر المؤمنین، نیز ساخت، به
آن نیز نیافت از جایان امیر المؤمنین، نیز ساخت، به
نظر نایاب از طلاقه سازی چنین میلیت های بعده می‌بلند
های مددیان هرمه و لزمه است؟ مددیان هرمه شدن و
شکنن از این برقا: و دلک نیز شود

و عن الله شرعا

بعنی من از همه‌ی رفقار ای که اسان را به نیز
شدن می‌رسانند بوری خواهی کرد و از این بیواره:

نایاب از کتاب؛ و عن الله شرعا

رویاهای واهی، بخواهند ترتیب کنند.
دانسته به فرزند متعلق می‌کند، اگر زنان
این بک مطمئن است، مطمئن به خودان
مشتعل از یک خواهاد (اصالت از
ظلم به سل آینده مان و ظلم به غیر)
دایع خود در سرمه صحیح سرخ می‌شوند که
هزاران هزار را جان سرخ می‌شوند که
علیه‌ی این مکمل بر مورد این مصادف
آیا جنین کاری از مردانه به شیوه این
هزاران هزار را به زنان ای یک خوبی صور
کشند، نیز این خوبی کشند هر زن «
آیا افسوس که برخی مردان ما بطرافت
زنان آنده خدف خود را کرده‌اند و
آیا از نسلی که جنین زنی امداده
شوند، اگر خوب را می‌برند خوبی
آن دیگر وجود نموده‌دادند، اینجاست
که اینکه در می‌خواهند نزد می‌خواهند
کنند، اینقدر خواهاد را زیاد که در صدر
آن می‌خواهند و می‌خواهند زن را از
همچویی معافی به موجودی دیگر می‌برند
آن دیگر کارکرد و را عوض کنند در
اعلم عمر خانه‌دار را کوهان و سکن
نیزی را از اسلامی ایاری به سمت
کوه و سله امریکایی تغیر می‌نمی‌
کند.

که کنند می‌خواهند کم افلات، «از اول
نایاب این بود که گفکاره انسان درست
شود، که بیانها می‌خواهند انسان از مدت
کنند، و این که می‌توانند انسان را از
آن بگردانند، این که می‌توانند انسان ای این
دست این بیرون انسان است انسانی
که می‌توانند این ها را به رای حق
بدند در این بیطلیت مادر ترتیب می‌
کند، و مادر و مادر و مادر و اولاد ترتیب می‌
کند، و بزرگترین مهدیت مادر انسان
می‌دانند که این را گوشیش کرند،
می‌دانند که این را چشمیش کرند،
می‌دانند که این را جانمه‌ی مادرش کند،
می‌دانند که این را از این نیان مادرها
نایاب می‌شوند، این ها می‌خواهند
شوند،»
با این وجود آیا نیان گفت، مهم
که این مضر در داکر سازی و ترتیب نسل
بر همه‌ی زنان است مادران کلید از
فهمیده‌ی مادری که فرهنگ و معرفت و
میزان و زیگی های اسلامی یک قوم و
جامعه را با سمع خود، با روح خود،
با ملک خود، با رفتار خود دانسته با

شدها بی تکرار ترین های تاریخ

نویسنده: روزبه پایابی

در انتشار تمام اتفاقاتی های شاهه ترده ای می شانم، جند قدم پذیر از گمنامی کل ها... زیر جست نوار سیز گز و بلند فامی نگذسته... جران های روشن است به درخشش و شکنای تاریخ اسلام و آینه ای اینها ای اینها از خاندان سلام اول، روح به روح حکماشان که بشنی، و بوب مردم می شناسند بغض های کمال امکان روسو شد آن... اینها این اطلاعه هایی که مخصوصان می باشد هاست رذیف هرچه متون عاشقانه است به نام ایران... همین اطلاعه هایی که مخصوصان می باشد هاست رذیف هرچه متون عاشقانه است به نام ایران... من تمام احتممه هایی بر از اطراف پاران نهیه را، لحظه هایی بر از ای فرقای هایی بر نام ای همان را روض شده ام از نگاهناش... همین خواهی... تو هم گوش اکثرای مخصوصان در گوش فرارهایان را... نا اذان چند و بجب پیشتر نهاده دوست!



پیش داور، پیش داوری

برای آن ها که
قضاوت می کنند

نویسنده: نلس

(تو) کلائل مدهمه بود، گوغاگای ایز ایز
دوی همچ یخچ و خافت فرسایی ایز ایز
امخانی، دلم می خواست من خود افرادی
پام کش که موافق ای موضع بودند ایا بور ای
من گذشت در ایالی که خود را وارد ای
سرخانه کار نمودم بور و نهای کلخوشی
پام، آخی بر یک کل خودم و باشد و کل خوشی
من، تماش با خواهاد ایم و صحبت کردی ای
لهمه ای بور نا شاید اسماس آزادم کنم، اما
نه، مثل این که خوشی من باخت کند
بود بگذار در عورده فکریان نادری
کن، دام می گفتم، چقدر با دوست برسی
حروف بزمها...
اید
اسداد وارد کلائی شد، بین این مدهمه
من دوست پسر دارم، شنها به نکن
کفت، من همکاری ایم ایز کس نوجه ای
اهای دوست پسر من باید، این رو همه
بودنها...
وقایع که دلم از عالم و اید می گرفت،
جاوی ناشنمش جز اغوش خداه داشته دست های
با غم امتنان مشکل داشته ای دست های
می ازدیز، وی جراه ای ناشنمش دست که می
حد کافی بندند شد میایی بجه های کلای،
دردهای، فراموش بخداهی نکنم، حمامهای
که بین می دند، سیل حرفای بگذار بوده که
خلوت من و خدامهای می بخشم، رای ای ای...

کامون یعنی الباله برای آشنایی
اشتیخوان مغلوب را عنوان در مقدم
پام کش که موافق ای موضع بودند ایا بور ای
بود، کل خودم و باشد و کل خوشی
پام، آخی بر یک کل خودم و باشد و کل خوشی
من، تماش با خواهاد ایم و صحبت کردی ای
لهمه ای بور نا شاید اسماس آزادم کنم، اما
نه، مثل این که خوشی من باخت کند
بود بگذار در عورده فکریان نادری
کن، دام می گفتم، چقدر با دوست برسی
حروف بزمها...
اید
اسداد وارد کلائی شد، بین این مدهمه
من دوست پسر دارم، شنها به نکن
کفت، من همکاری ایم ایز کس نوجه ای
اهای دوست پسر من باید، این رو همه
بودنها...
وقایع که دلم از عالم و اید می گرفت،
جاوی ناشنمش جز اغوش خداه داشته دست های
با غم امتنان مشکل داشته ای دست های
می ازدیز، وی جراه ای ناشنمش دست که می
حد کافی بندند شد میایی بجه های کلای،
دردهای، فراموش بخداهی نکنم، حمامهای
که بین می دند، سیل حرفای بگذار بوده که
خلوت من و خدامهای می بخشم، رای ای ای...

خبر



عطر سیب

نویسنده: فاطمه ایرانی زاده

دل نامه ای امام زمان(ع) به امام حسین(ع)

شند سال اخیر بستانه های عجیب
طبی خیلی کوئه بصری می شانندند گله در بیان

و طرب و افعی از واقعه ای تزلیج

شنبه می بود، دانش های در مورد

برخی موضعات تفتریخ شدند که اند

پیکره بندی زبانه ای را کشیده اند.

شروع شده ای سر چه کشیده اند

پیامبران، شناسانه کی امام حسین(ع)

سالم و درود بر دیرات کشکان و می

روایت واقعه ای که نازی بر خود می خورد

غیر مطابق و غیر واقعی جلوه دهد و در

آیت و دات مقدس آیا امام زمان(ع)

دلف ای این علم را می باری و می خنثی به

که این گشک را می مطلع شده دهد و این

اصل واقعه ای که نازی بر خود می خورد

حسین(ع) از زبان حضرت محمد(ص)

چنگ ایام حسین(ع) بود، این است این

با جمله: چنگ ایام حسین(ع) بود، این است این

فکر و مکان قلایق اصلی و مبالغه، وی این

موضعی که محروم شده ای این امر

مقابل می شود، این امر ای این عجیب

می شود و افسانه ای که در این موضع ای

قرآن بودی برای دسته ای این بودی،

و گزار می کند.

مراسم زیارت حسینی در تاریخ
۲۲/۱ بویط هشت میان در مسجد
اشتگاه برگزار می گردد.

جلسه پیش مظهر، جمعه هر هفته
را پس ساعت ۱۰:۳۰ در موزه ریاست
جمهوری برگزار می شود.

